

ارنست رُنان، فوستل دو کولانز،
ورنر روف، پی یر زنوون

ملت، حس ملی، ناسیونالیسم

ترجمہ

عبدالوہاب احمدی



This is a Persian translation of
Qu'est-ce qu'une nation?
 by Ernest Renan
 Paris, Mille et Une Nuits, 1997
 and extracts of *Introduction à l'histoire des relations internationales*
 by P. Renouvin & J.P. Durouselle
 Paris, Armand Colin, 1991
 Translated by Abdolvahhāb Ahmadi
 Āghā Publishing House, Tehran, 2012
 info@agahpub.ir

سرشناسه: احمدی، عبدالوهاب، ۱۳۲۵ - مترجم، گردآورنده
 عنوان و نام: میردور: ملت حسن ملی ناسیونالیسم / ترجمه و گردآوری عبدالوهاب احمدی.
 وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی شده
 مشخصات نشر: تهران: آگه، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 شابک: 978-964-329-255-3
 یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای از لارنس رنان، پی‌یر ژنوون، فوستا دوکولاتز، ورنر روف که از منابع
 مختلف گردآوری شده است.
 موضوع: ملی‌گرایی
 موضوع: ملت
 موضوع: دولت ملی
 رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۰ م ۳۲۰/۵۴۰/۱
 رده‌بندی دیوین: ۳۲۰/۵۴۰/۱
 شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۲۴۲۰۰۴۹



لارنس رنان، پی‌یر ژنوون، فوستا دوکولاتز، ورنر روف
 ملت، حسن ملی، ناسیونالیسم
 ترجمه‌ی عبدالوهاب احمدی

چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: بهار ۱۳۹۱، آماده‌سازی، حروف‌نگاری و نظارت بر چاپ: دفتر نشر آگه
 (ویراستار: محمد نبوی، حروف‌نگار و صفحه‌آرا: فرشته آذرباد)
 لیتوگرافی: طابوس رایانه، چاپ: نیل، صحافی: امیر
 شمارگان: ۱۰۰ نسخه
 همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

مرکز پخش: کتاب گزیده
 خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، بین روانمهر و لبافی‌نژاد،
 نبش کوچه‌ی دیدبان پلاک ۳۳
 تلفن: ۶۶۴۹۲۹۶۲، ۶۶۴۰۰۹۸۷

قیمت: ۱۰،۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	بخش یکم: ملت
۱۵	ملت چیست؟ نوشته‌ی ارنست وُنان
۵۳	آلزاس فرانسوی است یا آلمانی؟ نوشته‌ی فوستل دوکولانتو
۶۹	دریافت از ملت در فرانسه و در آلمان نوشته‌ی ورنر روف
۸۵	بخش دوم: حس ملی
۸۷	حس ملی نوشته‌ی پی‌یر وُنوون
۱۶۱	بخش سوم: ناسیونالیسم
۱۶۳	ناسیونالیسم و ناسیونالیسم‌ها نوشته‌ی پی‌یر وُنوون
۲۲۵	واژه‌نامه
۲۲۷	فهرست برخی اعلام

پیش‌گفتار مترجم

کتابی که در دست دارید گزیده‌ای است از چندین نوشته درباره‌ی ملت، حس ملی و ناسیونالیسم. در بخش نخست سخنرانی پرآوازه‌ی ارنست رُنان به نام «ملت چیست؟»، نامه‌ی نامدار فوستل دوکولانژ و مقاله‌ای درباره‌ی دریافت از ملت در فرانسه و در آلمان آمده است. در بخش‌های دوم و سوم به مسائل حس ملی و ناسیونالیسم پرداخته شده است.

می‌دانیم ملت به معنای نوین این واژه پدیده‌ای کم‌وبیش تازه است و در پایان سده‌ی هژدهم و به‌ویژه در سده‌های نوزدهم و بیستم، نخست در اروپا و سپس در قاره‌های دیگر پدیدار شد و شکل گرفت. پیش از این، در پهنه‌های گوناگون جغرافیایی، امپراتوری‌ها، خلافت‌ها، پادشاهی‌ها، امیرنشین‌ها و جمهوری‌ها وجود داشتند اما ملت مدرن از این رو یافت نمی‌شد که چنین پدیده‌ای مستلزم زایش و باززایش باهمستانی به هم پیوسته هم‌چون واقعیتی سیاسی و حقوقی است که هم‌وندان آن با احساس هم‌بستگی ویژه‌ای به این آگاهی می‌رسند که به ملت خاصی تعلق دارند و لزوم تشکیل «دولت ملی» و

قدرتی از آن خود را درمی‌یابند. این واقعیت در پهنه‌ی زبان‌شناسی نیز بازتاب داشته است به گونه‌ای که واژه‌ی nation (ملت) از واژه‌ی natio لاتینی آمده است که معنای آن گروه انسانی هم‌تبار بوده است. در زبان فارسی نیز تا پیش از انقلاب مشروطیت واژه‌ی «ملت» به معنای امت یا پیروان دین و مذهب به کار می‌رفته است.^۱

گسست بنیادین که مدرنیته در پهنه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پدید آورد همانا جدایی دولت از جامعه‌ی مدنی است که پی‌آمد آن پیدایش فرد آزاد و رهیده از قید و بندهای سنتی و قومی و عقیدتی جامعه‌های پیش‌مدرن شمرده می‌شود.

این جدایی زمینه‌ی پدید آمدن پیوندهایی نوین میان افراد آزاد گردید که از آن جمله و یکی از مهم‌ترین آن‌ها تعلق ملی بود که در پی آن گردهم‌آیی انسان‌ها به شکل ملت در چارچوب دولتی ملی یا دولت - ملت پدید آمد. اما ملت دو شکل متفاوت به خود گرفت، یکی ملت قومی - فرهنگی و دیگری ملت سیاسی، که به شکل‌گیری دو دریافت متفاوت از ملت نیز انجامید.^۲ ملت قومی - فرهنگی بر پایه‌ی عنصرهایی مانند نژاد، تبار، زبان، دین، فرهنگ، سرزمین و... شکل گرفت و ملت سیاسی بر پایه‌ی شهروندان برخوردار از حقوق برابر. در پهنه‌ی اندیشگی نیز نظریه پردازان هریک از این دو شکلی ملت رخ نمودند. با انقلاب فرانسه و در پی برجیدگی مرزهای اجتماعی (اشراف، روحانیت و عوام) و مجلس‌های آنان، راه پیدایش شهروندان برخوردار از حقوق برابر و برپایی مجلس قانون‌گذاری

۱. داریوش آشوری، دانشنامه‌ی سیاسی - تهران: انتشارات مروارید، زیر عنوان «ملت».

۲. موریس باربیه، مدرنیته‌ی سیاسی، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱.

یگانه‌گشوده و ملت سیاسی زاده شد. سی‌یس^۱ نظریه پرداز و روحانی انقلابی، با پی‌گیری نظریه‌ی قرارداد اجتماعی ژان‌ژاک روسو^۲، «ملت را پیکره‌ای از شریکان» می‌شمارد که «زیر چتر قانونی همه‌گستر و یکسان برای همگان می‌زیند و نظام قانون‌گذاری و مجلس یگانه‌ای آن‌ها را نمایندگی می‌کند»^۳. بدین سان سی‌یس با تعریفی قراردادبنیاد، ازادی‌گزینش را بُن‌پایه‌ی ملت می‌نهد. در برابر، نظریه پردازانِ ملتِ قومی، فرهنگِ (هردر^۴ و به‌ویژه فیشته^۵ و دیگر رمانتیک‌های سیاسی آلمان) ملت را با نژاد، تبار، زبان، فرهنگ و خاک و خون تعریف می‌کردند^۶. اینان این خرده را به تعریف سیاسی - یا به‌طور کلی تعریف سی‌یس از ملت - می‌گرفتند که چنین تعریفی هم انتزاعی است و هم نشانی از هویت ملی در آن یافت نمی‌شود و بیش‌تر جنبه‌ای جهان‌روا دارد تا ملی.

در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم، مسئله‌ی یگانگی آلمان و یگانگی ایتالیا و هم‌چنین پیدایش و بالش و گسترش حس ملی در سراسر اروپا، مسئله‌ی ملی را از نو به پیش صحنه آورد. شکست فرانسه از آلمان در سال ۱۸۷۰ و الحاق استان‌های الزاس و لورن^۷ فرانسه به آلمان، به این بهانه که مردم این استان‌ها از دید تبار و نژاد و زبان، ژرمنی شمرده می‌شوند، باز از نو دو تعریفِ ملت را از رهگذر بحث‌های اندیشه‌وران آلمانی و فرانسوی رویاروی یکدیگر نهاد.

1. Sieyès 2. Jean-Jacques Rousseau

3. Emmanuel Joseph Sieyès, *Qu'est-ce que le Tiers états*, Edition du Boucher, Paris, 1992, p. 5. 4. Herder 5. Fichte

۶. بلاندین کریزل، *درسنامه‌های فلسفه‌ی سیاسی*، تهران: فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰، ص ۸۲

7. Alsace-Lorraine

تئودور مومسن^۱ استاد تاریخ در برلن، در سال ۱۸۷۰ کوشید تا برپایه‌ی دریافتی قومی-فرهنگی از ملت الحاقی این دو استان به فرانسه را موجه نشان دهد. در برابر، فوستل دو کولانژ، تاریخ‌نگار فرانسوی، برپایه‌ی دریافت سیاسی از ملت به او پاسخ گفت. ارنست ژنان نیز در نامه‌نگاری‌های خود با دیوید اشتراوس^۲، پژوهش‌گر آلمانی، و هم‌چنین در مقاله‌ی «جنگ پروس و فرانسه» به نقد دریافت قومی-فرهنگی پرداخت و چند سال دیرتر در سخنرانی پراوازه‌ی «ملت چیست» دریافت سیاسی از ملت را به نیکی پیراست. اما باید توجه داشت که گرچه فوستل دو کولانژ و ژنان دریافت سیاسی و گزینش آزاد او را برگرفتند اما بر آن عنصرهایی عینی افزودند و بدین سان آن را بارور و مایه‌ور گرداندند.

ژنان، نخست عنصرهای تشکیل‌دهنده‌ی دریافت قومی-فرهنگی از ملت را یک‌لیک برمی‌رسد و نابسندگی آن‌ها را نشان می‌دهد و سپس ملت را اصلی معنوی تعریف می‌کند که از دو عنصر یگانه تشکیل یافته است: خاطره‌ی گذشته‌ای مشترک و بازتأیید پیوسته‌ی خواست آدمیان به هم‌زیستی با یکدیگر. کودهمایی آدمیان به شکل ملت از این‌رو بی‌خاطره امکان ندارد که در مورد گذشته‌ی مشترک، خواست و اراده برای هم‌زیستی، ناگهان بدیده نمی‌آید، برعکس هرآینه خواست هم‌زیستی در اکنون وجود نداشته باشد، هیچ چیز نمی‌تواند ملت را برپا نگاه دارد. «هرچند ملت، گذشته‌ای را مفروض می‌دارد اما در اکنون و در واقعیتی ملموس خلاصه می‌شود یعنی در توافق و میل آشکارا بیان‌شده به ادامه‌ی هم‌زیستی. هستی یک ملت ... به معنای همه‌پرسی هر روزه است».

دریافت رُنان از ملت، انقلابی، دموکراتیک و مدرن است. انقلابی است، زیرا تعریف ملت را از برخی عنصرهای طبیعی پیش‌نهاد می‌رهند بی آن‌که صرفاً به آن جنبه‌ی انتزاعی بخشد؛ دموکراتیک است، زیرا پایه‌ی هستی ملت را بر خواست هم‌زیستی پیوسته‌ی افراد ملت می‌نهد؛ و سرانجام مدرن است، زیرا دریافت او راه هم‌خوانی ملت با دولت مدرن را می‌گشاید.

از آن‌جا که در سده‌های نوزدهم و بیستم و حتی در روزگار ما، این دو دریافت از ملت نقش مهمی در رویدادهای سیاسی در رابطه با مسئله‌ی ملی بازی کرده‌اند و هنوز نیز گاه‌گاه بازی می‌کنند، مقاله‌ای در این باره را بر این بخش افزوده‌ایم.

در بخش دوم، پی‌یر نوون به تعریف و هم‌چنین بیان چگونگی پیدایش و بالتنگی حس ملی در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم و نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم می‌پردازد. او دید او حس ملی را می‌توان احساس تعلق به باهمستانی ملی و هم‌بستگی با هم‌وندان آن دانست، یعنی احساس هم‌بستگی میان گروه‌های بزرگی از آدمیان در درون باهمستان‌هایی که بنیادشان بر سنت‌های گذشته‌ی مشترک تاریخی و منافع نهاده است و هم‌وندان آن آماده‌ی فداکاری برای هم‌زیستی در چارچوب آن و دفاع از آن‌اند. حس ملی در واقع با آگاهی‌یابی به هویت ملی و تمایز آن با هویت‌های دیگر شکل می‌گیرد.

در بخش سوم، نویسنده ناسیونالیسم و ناسیونالیسم‌ها را که در پی پیدایش ملت‌ها و دولت‌های مدرن سربرآوردند برمی‌رسد. می‌دانیم که ناسیونالیسم دو شکل متفاوت به خود گرفته است: نخستین شکل آن را که می‌توان ناسیونالیسم آزادی‌خواه یا آزادی‌بخش خواند آموزه و کنشی سیاسی شمرده می‌شود که معمولاً دستیابی به استقلال ملت

یا مردمانی را آماج خود می‌نهد که زیر سلطه‌ی بیگانه می‌زیند. این ناسیونالیسم کم‌وبیش خواهان یگانگی سیاسیِ مردمانی مشخص برپایه‌ی برخی عنصرهای تاریخی، فرهنگی و خواست استقلال است و بنیادش بر اصل تعیین سرنوشت ملت‌ها نهاده است و هدفش برقراری حاکمیت ملی و برپایی دولتی مستقل در سرزمینی مشخص (کشور) است. ناسیونالیسم آزادی‌خواه که در سده‌ی نوزدهم به‌ویژه و سده‌ی بیستم آموخته‌ی بسیاری از جنبش‌های ملی و استعمارستیز در سراسر جهان بود در بیش‌تر موارد به تشکیل دولت‌های مستقل انجامید.

گونه‌ی دیگر ناسیونالیسم را که می‌توان ناسیونالیسم سلطه‌جو نامید ایدئولوژی‌ای سیاسی است که برخی ویژگی‌های ملی را به گرافه می‌ستاید؛ ملتی را بر ملت‌های دیگر برتر می‌شمارد و آن‌ها را خوار می‌دارد و گاه خواهان به بند کشیدن‌شان می‌شود و برای خود رسالتی جهان‌روا می‌شناسد. این ناسیونالیسم در گوهر خود مایه‌های جنگ‌طلبی، نابردباری، خشونت، کشتار و پاک‌سازی قومی را نهفته دارد و به توجیه سیاست‌های امپریالیستی، استعماری و سلطه‌جویانه و.... می‌پردازد. پی‌بر نوون با چیره‌دستی و با تکیه بر دانش گسترده‌ی خود پیدایش و بالش و پی‌آیندهای حس ملی و ناسیونالیسم را در چهار قاره پڑوهمیده است و چشم‌انداز روشنی از این پدیده‌ها را برابر دیدگان خواننده می‌گذارد.